

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1390/03/02



حکم پوست دباغي شده ميته
مسئله هشتم بود جلد الميته لا يطهر بالدبغ اين مسئله را گفتيم که از لحاظ فقه اماميه
مورد اجماع قطعي است اختلافي که به اجماع ضرر وارد کند ندارد
نظر عامه و ابن جنيد
از نظر ابناء عامه گفتيم اکثرشان بر اين هستند جلد ميته با دبغ و دباغت تطهير مي شود اما
مخالفي در اين مسئله داريم ابن جنيد که ايشان مخالفتشان هم تقريبا معلوم است گفتيم
فتاوي ابن جنيد اخيرا چاپ شده است که فتاوايش در ضمن کتب ديگر است اين فتواي
حکم به طهارت جلد ميته به واسطه دباغت در کتاب مختلف جلد 1 صفحه 342 ذکر شده که
مي فرمايد جلد ميته به وسيله دباغي پاک مي شود
نظر علامه حلي و فيض کاشاني
و اين همان فتواي عامه و مکتب خلفاست گفته مي شود که محدث کاشاني هم اظهار
تمايل به اين حکم کرده است در کتاب مفاتيح الشرائع جلد 1 صفحه 68 که به دباغي ممکن
است جلد ميته پاک شود تا اينجا مشکلي ندارد به اظهار یک تمايل یک محدث و نظر ابن
جنيد به مشکلي بر نمي خوريم
نظر مشکل ساز مرحوم صدوق در مقنع
اما مشکلي که وجود دارد که گفته مي شود و واقع هم همين است که شيخ صدوق (ره) در
کتاب فتاوي خویش که اسمش هست کتاب مقنع صفحه 18 فرموده است که وضو گرفتن
به ابي که در ظرفي از پوست ميته باشد جائز است معلوم است که منظور از ميته که مطلق
ميته نيست بلکه ان جلد ميته اي که ظرف اب مي شود بعد از دباغي است خوب ابي که در
داخل پوست باشد وضو با ان جائز است لازمه اش طهارت ان ظرفي که از پوست دباغي شده
است. اين فتوا در مقنع آمده که کار ما را مشکل مي کند و طرف هم صدوق است حالا بعد
از که راي صدوق را نقل کرديم

استدلال بر مطهریت دباغت

استدلالي هم شده است عنوان بفرمایید استدلال برای مطهریت دباغت گفته می شود که در این رابطه نصوص و روایاتی وجود دارد که از این روایات استفاده می شود مطهریت دباغت

روایت وسائل الشیعه بر جواز استفاده از پوست میته که دباغی شده
روایت اول مرسله صدوق کتاب وسائل الشیعه جلد 2 باب 34 از ابواب نجاسات حدیث 5
محمد بن علی بن الحسین شیخ صدوق (ره) قال سئل الصادق علیه السلام که از این
مراسیل درجه دو هست مراسیل درجه یک قال الصادق است **سئل الصادق علیه السلام عن**
جلود الميته يجعل فيها اللبن و الماءو السمن ما تري فيه چه حکمی دارد اب و شیر و روغنی
که در این ظرف چرمی گذاشته می شود **فقال علیه السلام لا باس بان تجعل فيها ما شئت**
من ماءو لبن او سمن و تتوضو منه و تشرب و لكن لا تصلي فيه این روایت دلالتش بر
طهارت جلد میته پس از دباغی کامل است به همان شرحی که دادیم ظرف که دباغی می
شود و اب و روغن و شیر که در بین آن ظرف باشد و وضو بگیری پاک است پس خود ظرف
هم پاک می شود و گفته می شود که شیخ صدوق در مقنه فتوا نداده روایت را نقل می کند
مقنع بیان احکام در بستر روایت است آن فتوای یعنی آن حکمی است برگرفته از این راه این
روایت اول

روایت فقه الرضا در طهارت پوست دباغی شده میته

روایت دوم حدیثی است در فقه الرضا کتاب فقه الرضا صفحه 302 با عبارت بسیار واضح
فرموده است دباغه الجلد طهارته قاعده کلی گفته است اگر این درست می شد یک قاعده
فقهی و منصوصه می شد دباغه الجلد طهارته همان عملیات دباغی برای پوست همان
عملیات برای تطهیر است این روایت

روایت حسین بن زراره در وسائل الشیعه

روایت سوم حدیث حسین بن زراره است وسائل جلد 16 ابواب اطعمه محرمه باب 34
حدیث 7 سوال شده است از امام صادق علیه السلام درباره حکم جلد میته که ظرف اب
بشود از آن اب می شود استفاده کرد امام فرمود یدبغ فینتفع به این هم دلالتش کامل است
دباغی می شود و از آن استفاده می شود یدبغ کسی که می خواهد آن را دباغی کند و انگهی
فینتفع به دلالت کامل است این روایت حسین بن زراره نسبت به این مطلب که پس از
دباغی جلد پاک می شود و قابل استفاده می شود کامل است از حیث دلالت مشکلی ندارد تا
اینجا روایات دلالت دارند بر طهارت. درباره عدم جواز صلاه که آمده است که طبق سنت
قطعه که صلاه که بر اجزای میته جائز نیست و باطل است لباس مصلی اگر اجزای میته
باشد مبطل است این جلد الان طاهر شده ولی عنوان میته صدق می کند. روایات را گفتیم
سه تا روایت شد دال بر اینکه دباغی موجب تطهیر می شود شیخ صدوق هم پشت این
قضیه قرار دارد الان می اییم و بررسی می کنیم

تحقیق مطلب

اما تحقیق بحث سید الاستاد (ره) کتاب تنقیح جلد 2 صفحه 457 می فرماید که این روایات
اولا روایات ضعیف برمه همه این روایت سندهایش ضعیف است تا حدی که بعضی از این
روایات صدق روایت نمی کند کتاب فقه الرضا ممکن است فتاوای خود صدوق باشد روایت

اصلا نباشد روايت بودنش مورد شك و ترديد است فضلا عن صحت سند ان و خبر حسين بن زراره هم كه يك خبر مرسلې است و مرسل خود شيخ صدوق كهديديم مرسل سند مرسل در مجموع از اعتبار به دور است

نظر مرحوم آقاي خويي در مورد روايت مرسل

خوب است اين مبناي سيد را هم يك كمى پزرنگ كنيم ايشان درباره مراسيل نظر خاصي دارد گويا نظر مرسل از وادي اعتبار به دور است قابليت اعتبار را ندارد روايت اگر مرسل بود شرط اصلي اعتبار را ندارد بنابر اين با روايت غير معتبركه نمي شود حكم فقهي مخصوصا حكم فقهي كه خلاف ظاهر قران باشد اثبات بكنند

مخالفت اين روايات با سنت

اولا. دلالت اين روايات و استناد كردن به اين روايات درست نيست وثانيا اين روايات بايد استثنا بزنند حكمي را كه ان حكم مدلول سنت قطعيه و يا مدلول ظاهر قران است ميته بر اساس سنت قطعيه نجس است رواياتي كه درباره نجاست ميته آمده است از حد تواتر بالا است قران هم حرمت عليكم الميتة تا آخر ظاهرش نجاست ميته است بلا اشكال اين روايات در برابر سنت قطعيه بتواند سنت را تخصيص بدهد اين صلاحيت را هرگز ندارد ثالثا اين روايات دال بر مطهريت دباغت معارضند با روايات كثير و معتبري كه دال بر عدم مطهريت دباغه است رواياتي كه از طريق ال البيت عليهم السلام رسيده با سندهاي معتبر و به اندازه قابل توجه از لحاظ عدد از جمله اين روايات كتاب وسائل جلد 2 باب 61 از ابواب نجاسات حديث 1 و 2 و 4 روايات خيلي زياد است ما اين سه تا گزينش كرديم روايت اول حديث يك اين باب كه عبارت است از صحيحه محمد بن مسلم از امام صادق قال سالت عن جلد الميتة مضمرة است اما مضمرة مشايخ كه هيچ عيبي ندارد (يك روايت را ما داريم كه امام صادق مي فرمايد به عبدالله بن سنان كه ضمن ان دعا كه مي شود بگوئيم **يا مقلب القلوب و الابصار** اقا فرمود قل ما نقول يكي از معناي ولايت اين است اما محمد بن مسلم و زراره و ابابصير يقولون ما قال لم يقولوا ما لم يقل يعني انها نمي گويند مگر اينكه امام بگويد انها در عمل آورده اند الكوي عملي براي ما شيعه ها و طلبه هاست نمي گويند مگر آنچه را امام مي گويد لا يقولون الا بما قال) مضمرة محمد بن مسلم از امام صادق **عن جلد الميتة ايلبس في الصلاة اذا دبغ قال لا. و ان دبغ سبعين مره** نه نمي شود حكم طهارت را بر ان جاري ساخت هر چند هفتاد مرتبه دباغي شود چه مأكول اللحم باشد چه محرم الاكل لذا شيخ طوسي در كتاب مبسوط جلد 1 صفحه 15 مي فرمايد كه ميتة با دباغي پاك نمي شود مأكول اللحم يا غير مأكول اللحم و تصرف در ان جائز نيست به هيچ وجه با قاطعيت تمام كه بيان مي كند شيخ طائفة است نظر طائفة را بيان مي كند اين روايت و اين حديث

سوال و جواب اولاً. رواياتي كه شيخ صدوق به عنوان روايات معتبر جمع كرده در من لا يحضر است اين فقه الرضا كه منسوب به مولا. امام رضا هست هنوز سرنوشتش نامشخص است اعتبارش نا معلوم است فتواي صدوق است روايات پراكنده و تسامحي است يا از باب احتياط است كه يك چيزهايي كه دستش آمده جمع كرده اين بين احتمالات مردد است اعتبارش ثابت نشده و ان كه مي گوئيم عصر نزديك است و خودش مورد اعتماد نسبت به من لا يحضر است كه در مقدمه خود او مي نوسيد حتي نظر شيخ صدوق چه بوده است درباره فقه الرضا اينها نظرات و احتمالاتي است خود اين كتاب بحثهاي زيادي وقت زيادي برده

ولي هنوز ثابت نشده كتابي كه اعتبارش و شخصيتش روشن نشده باشد قابل اعتماد و اعتبار و استناد نيست روايت دوم شماره 2 همين باب اين هم موثقه علي بن ابي المغيره سند را بخوانيم محمد بن يعقوب عن محمد بن يحيي و غيره عن احمد بن محمد بن محمد بن يحيي را مي شناسيد اشعري قمي و غيره مجهول است اينگونه مجهولات ضرر نمي رساند احمد بن محمد اشعري كه مي شناسيد ابن محبوب هم كه معلوم است حسن بن محبوب است از اصحاب اجماع عن عاصم بن حميد هم كه توثيق خاص دارد عن علي بن ابي المغيره كه توثيق خاص دارد روايت سند معتبر است قال قلت لابي عبد الله چون بنده حقير علي بن مغيره را امامي بودنش را نتواستم ثابت كنم توثيق درباره اش آمده لذا روايت را موثقه گفتيم [قلت لابي عبد الله عليه السلام جعلت فداك الميته ينتفع منها بشي فقال لا قلت بلغنا ان رسول الله صلى الله عليه و اله وسلم مر بشاه ميته فقال ما كان علي اهل هذه الشاه اذ لم ينتفعوا بلحمها ان ينتفعوا باهابها](#) بعد التذكيه قال يكي از بانوان پيامبر و اين گوسفند هم خيلي لاغر و بعد حال بود كه از گوشتش نمي شد استفاده كرد راهش كرد تا بميرد استخواني بيش نبود پس پيامبر از گوشتش اگر استفاده نمي كردند از پشم اين گوسفند كه مي شد استفاده كنند تذكيه كنند و استفاده كنند دلالت دارد كه اين پوست ميته بوده و پوست ميته نجس است مطلقا قابليت تذكيه ندارد دباغي بشود يا نشود دلالت دارد بر نجاست ميته و نجاست پوست گوسفند مطلقا در مقام بيان هست احتمال دباغي و غير دباغي وجود دارد پيامبر ترك استفصال کرده مطلقا فرموده است استفاده از ميته نمي شود اگر از ان استفاده مي كردند بايد تذكيه مي كردند اين حديث هم حديث ديگري است دال بر نجاست ميته احاديث زيادي داريم حديث شماره همين باب تقريبا به همين مضمون است و روايات ديگر در ابواب اطعمه محرمه و نجاست ميته به طور زيادي تا آنجا كه از حد تواتر گذشته است يك قانون و ان اين كه حديث با حديث ديگر كه تعارض مي كند بايد دو تا معتبر باشد اما اگر يك حديث را فرض كرديم كه معتبر است حديث مقابل متواتر است جايي براي تعارض نيست چون حديث متواتر را به ان مي گوييم سنت قطعيه روايت و دليل ديگر با سنت قطعيه قابليت معارضه ندارد اين دسته از روايات دال بر عدم مطهرت دباغت در حد متواتر و سنت قطعيه است مضافا بر اين كه فرض كنيم كه تعارض كرد اگر هم تعارض بكنند تقدم با اين دسته است چون ان روايات دال بر مطهرت دباغت موافق عامه است. و اين روايات دال بر عدم مطهرت موافق با قران و موافق با سنت قطعيه است پس حكم همان است كه در متن آمده كه ميته با دباغ هرگز نخواهد بود بنابر اين اصف علي ذلك كه موافق مشهور هم هست و پس از ان هم اين نكته را اضافه مي كنيم كه حكم همان است كه گفته شده اما شيخ صدوق از او نقل شده شايد نه فتواست نه روايت مطالب پراكنده را نقل کرده اصل نظرش رواياتي است كه در من لا يحضر آمده كه اين مطالب را اعلام مي كند